

## **Review of the Rules Concerning Travel Expenses of the Muḍāribah Broker <sup>1</sup>**

**Hassan Delawari**

Instructor of Advanced Level Studies of Mashhad Seminary & Lecturer at Martyr Motahari University of Mashhad; hasandel1399@gmail.com

**Kazem Ibrahimzadeh**

Instructor of Advanced Level Studies of Mashhad Seminary;  
k.ebrahimzadeh68@gmail.com


**Zahra nikoozadeh** 

Master's Student in Jurisprudence and Private Law at Shahid Motahari University of Mashhad (Corresponding Author); z.nikouzade@gmail.com;

### ***Abstract***

Muḍāribah is one of the most commonly used contracts under Iranian civil law. A key component of this contract is the *muḍāribah* broker, who may occasionally need to travel for business purposes. Travel incurs expenses, which differ from the broker's costs when operating locally. Since Iranian civil law is based on Imāmī jurisprudence, any development or amendment

1. *Nikoozadeh. Z. ; (2024); " Review of the Rules Concerning Travel Expenses of the Muḍāribah Broker"; Jostar\_ Hay Fihi va Usuli; Vol: 10; No: 35; Page: 185-220;*

 10.22034/jrj.2024.68894.2804



This Article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

to the law must be grounded in a thorough examination of these jurisprudential foundations. Currently, civil law does not address the issue of travel expenses for muḍāribah brokers. By analyzing and reviewing the opinions of Imāmīyyah jurists, from Shaykh al-Ṭūsī to contemporary scholars, this study aims to provide a comprehensive perspective on the matter and proposes changes to civil law.

The findings, proposed as articles and legal notes, are as follows:

**Legal Article:** The expenses of the muḍāribah broker are determined by the conditions stated in the contract. If no such conditions are specified, the costs are deducted from the business capital.

**Notes:**

A. The amount of expenses is determined by *'urf* (custom), and the judge's decision must be based on the opinion of an expert in line with customary practice.

B. If the muḍāribah broker terminates the contract with a valid excuse, they have the right to claim travel expenses from the business capital.

C. If the contract is terminated by the investor, whether or not it is for a valid reason, the broker's travel expenses are to be taken from the business capital.

D. In case of cancellation by either the broker or the investor, travel expenses are also deducted from the capital.

E. If there are multiple investors, the broker's right to withdraw expenses from the business capital is determined by their performance in relation to each individual investor.

**Keywords:** Travel Expenses, Muḍāribah Broker, Earning Profit, Business Capital, Multiple Investors, Termination of Muḍāribah.

# بازنگری در قوانین ناظر به هزینه‌های کارگزار مضاربه در سفر<sup>۱</sup>

حسن دلاوری

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد و مدرس دانشگاه شهید مطهری مشهد؛ مشهد- ایران.

رایانامه: hasandel1399@gmail.com

کاظم ابراهیمزاده

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد؛ رایانامه: k.ebrahimzadeh68@gmail.com

زهرا نیکوزاده 

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری مشهد (نویسنده مسئول)؛

رایانامه: z.nikouzade@gmail.com



بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۱۸۷


تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

## چکیده

عقد مضاربه، از عقود پرکاربرد در قانون مدنی ایران است و کارگزار از جمله ارکان اصلی در امر مضاربه است. کارگزار گاهی برای انجام تجارت باید به مسافرت برود و این سفر، اقتضای صرف هزینه‌هایی را دارد که تجارت در حضر و وطن، برای وی بدون صرف آن هزینه‌ها است. به جهت اینکه قانون مدنی، مطابق فقه امامیه تدوین شده است برای پیشنهاد هر ماده قانونی جدید، باید مبانی فقهی آن مستند شود. قانون مدنی حاضر، فاقد مسائل مرتبط به هزینه‌های کارگزار مضاربه در شرایط سفر است. این پژوهش بر اساس

۱. نیکوزاده، زهرا و دیگران (۱۴۰۳). بازنگری در قوانین ناظر به هزینه‌های کارگزار مضاربه در سفر، فصلنامه علمی

پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۱۰ (۲): ۳۵-۱۸۵. صص: ۲۲۰-۱۸۵.

 10.22034/jrz.2024.68894.2804

تحلیل و بررسی آرای فقیهان امامیه از زمان شیخ طوسی تا دوره معاصر تدوین شده است. این مقاله به دنبال دیدگاهی دقیق پیرامون این مسئله است تا بتواند در قانون مدنی تحولی ایجاد نماید و این خلأ قانونی را جبران نماید. یافته‌های این پژوهش که در قالب ماده و تبصره‌های قانونی پیشنهاد می‌شود، به شرح ذیل است.

**ماده قانونی:** هزینه‌های کارگزار مضاربه بر اساس شرطی است که در عقد مضاربه لحاظ شده باشد و چنانچه شرطی در میان نباشد از سرمایه تجارت کسر می‌شود.

**تبصره‌ها:** الف) میزان هزینه‌های تعیین شده بر اساس عرف است و نظر مورد قبول قاضی باید طبق دیدگاه کارشناس بر مبنای عرف تعیین شود. ب) در صورت فسخ مضاربه از سوی کارگزار، در صورتی که با عذر عقلایی همراه باشد، وی حق برداشت هزینه‌ها را از سرمایه دارد. ج) در صورت فسخ از ناحیه سرمایه‌گذار، اعم از اینکه با عذر عقلایی همراه باشد یا بدون عذر عقلایی، هزینه‌های سفر از سرمایه تجارت برداشت خواهد شد. د) در صورت انفساخ، اعم از اینکه به واسطه سرمایه‌گذار یا کارگزار باشد نیز هزینه‌ها از سرمایه برداشت می‌شود. ه) در صورت متعدد شدن سرمایه‌گذاران، ملاک استحقاق برداشت از سرمایه تجارت، میزان عمل کارگزار نسبت به هر یک از سرمایه‌گذاران است.

**کلیدواژه‌ها:** هزینه‌های سفر، کارگزار مضاربه، کسب سود، سرمایه تجارت، تعدد سرمایه‌گذاران، انحلال مضاربه.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۱۸۸

## مقدمه

طبق دیدگاه مشهور فقیهان، مضاربه عقدی جایز است که به موجب آن، یک طرف، سرمایه خود را در اختیار دیگری قرار می‌دهد و طرف دیگر نیز متعهد به انجام تجارت با آن سرمایه و کسب سود حاصل از آن خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ۶۴۶/۱؛ خوبی، ۱۴۱۸، ۳/۳۱). ممکن است طرف متعهد به تجارت (کارگزار) برای انجام تجارت به سفر برود که در این تحقیق، مسائل مرتبط با هزینه‌های سفر وی بررسی خواهد شد. ادله برخی از دیدگاه‌ها به جهت فتوایی بودن منابع، قابل استخراج نبود اما به قدر وسع ادله موجود ذکر شده است.

از آنجایی که در منابع حقوقی ایران، توجه بسیار اندکی به این بعد از عقد مضاربه و مسائل مرتبط با آن شده است و فقدان قانون دقیق درباره این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز

اختلاف متعدد بین سرمایه‌گذاران و کارگزاران شود و نیز صدور رأی را برای قاضی با ابهام مواجه کند، موضوع مذکور اهمیت یافته و نیازمند تحقیق و بررسی است. همچنین، در حال حاضر، این مسئله به صورت پژوهشی در قالب مقاله علمی کار نشده است و در برخی جهات نیز نیازمند تجدیدنظر و تحلیل دقیق‌تر است. از این رو، در این پژوهش به این مهم پرداخته شده است.

در این تحقیق، به بررسی این مباحث پرداخته خواهد شد؛ هزینه‌های کارگزار در سفر، اقسام سفر به لحاظ اذن سرمایه‌گذار، مراد از هزینه‌های سفر، ملاک در میزان هزینه، کیفیت هزینه برگشت از سفر در صورت انحلال مضاربه، فروض اختلاف کارگزار و سرمایه‌گذار، تعدد سرمایه‌گذاران، فسخ از جانب سرمایه‌گذار، فسخ از جانب کارگزار، انفساخ، هزینه کارگزار در سفر از منظر قانون و پیشنهاد ماده و تبصره‌هایی به قانون مدنی. لازم به ذکر است که فقها در این مباحث با یکدیگر اختلاف نظر دارند و از این رو، نظرات متعددی وجود دارد.

مسئله مضاربه در کتب فقهی مطرح شده است و فقیهانی از زمان ابن جنید اسکافی (ابن جنید، ۱۴۱۶ق، ۲۲۹) شیخ مفید (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۶۳۳) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۴۶۱) تا زمان فقیهان معاصر (شیرازی، ۱۳۹۵، ۸ اردیبهشت‌ماه؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ۶ بهمن‌ماه؛ سبحانی، ۱۳۹۶، ۱۴ فروردین‌ماه) به این باب و مسائل آن نیز اهتمام ورزیدند. در کتب حقوقی (امامی، ۱۳۹۳، ۲۰۷/۲؛ طاهری، بی‌تا، ۲۵۴/۴؛ توکلی، ۱۳۹۸، ۴۸۷؛ مدنی، ۱۳۸۴، ۵۵)، هرچند به باب مضاربه پرداخته شده است، اما فقط آقای سکوتی نسیمی به بحث سفر اشاره‌ای کرده (سکوتی نسیمی، ۱۳۹۰، ۹۳) و آقای جعفری لنگرودی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ۲۳) در خصوص هزینه‌های کارگزار مضاربه نظریه‌پردازی مختصری داشته‌اند.

به دنبال جستجوهای انجام‌شده در بین مقالات مرتبط با این موضوع نیز مقالات فراوانی از جمله «بررسی آرای اختلافی شیخ طوسی و محقق حلی در باب مضاربه، مزارعه و مساقات با نگاهی به نظر مشهور فقها» (درافشان، ۱۳۸۰)، «بررسی موضوع بهره در مضاربه بانکی» (ایزدی فرد، ۱۳۷۹) و «عقد مضاربه در نظام بانکداری اسلامی ایران و مالزی» (موسوی حسنی و کیانی، ۱۳۹۷) یافت شد که با این وجود، هیچ‌یک از این

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۱۸۹

مقالات به مسئله مورد بحث این پژوهش پرداخته است. همچنین در قانون مدنی هر چند از ماده ۵۴۶ تا ماده ۵۶۰ (قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ شمسی) درباره مضاربه بحث کرده است، اما در همین قانون به این بُعد از مضاربه، اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین، علی‌رغم کثرت مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در بحث مضاربه، مقاله یا پایان‌نامه‌ای به‌طور خاص و تحلیلی در زمینه هزینه‌های سفر عامل مضاربه نوشته نشده است. این نگاشته بر آن است تا نظرات دیگران را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و نظریه دقیق‌تر را با ادله محکم انتخاب نماید.

### ۱. چیستی هزینه‌های سفر

مراد از هزینه‌های سفر چیست؟ و چه مواردی تحت این عنوان قرار می‌گیرند؟ مراد از هزینه‌های سفر، آنچه که به آن احتیاج دارد؛ از جمله انواع خوردنی، پوشیدنی، وسیله نقلیه، ابزارهای مورد نیاز در سفر، اجاره مسکن و مانند این‌ها است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۸/۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۳/۵) یقیناً عنوان هزینه بر این موارد صدق می‌کند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۱/۱۹). لازم به ذکر است که موارد مذکور در هزینه‌های سفر، مورد تأیید همه فقها است (طباطبانی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۳/۵). اما در رابطه با هزینه جوایز و هدایایی که ممکن است در سفر اعطا کرده باشد و میهمانی‌هایی که در جهت تقویت معاملات برگزار کرده است، فقها نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند. هر چند این بحث ممکن است در غیر سفر هم جریان داشته باشد، لکن مسئله ما در این نگاشته پیرامون هزینه‌های کارگزار در سفر است.

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵  
تابستان ۱۴۰۳

۱۹۰

### ۱/۱ دیدگاه‌ها

در این زمینه، فقها نظرات مختلفی درباره اینکه هزینه‌های سفر بر عهده چه کسی است ابراز کرده‌اند. در ادامه، به بررسی این دیدگاه‌ها و دلایل فقهی هر یک خواهیم پرداخت.

### ۱/۱/۱ دیدگاه اول

این هزینه‌ها به عهده شخص کارگزار خواهد بود مگر اینکه تجارت بر آن‌ها موقوف باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۴۶/۲۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۳/۵).

**ادله:** دلیل این نظریه این است که عنوان جوایز و هدایا در ذیل عنوان مؤونه و نفقه قرار نمی گیرد (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۴۶/۲۶)؛ پس به این نوع هزینه‌ها، عنوان هزینه سفر تعلق نمی گیرد.

### ۱/۱/۲. دیدگاه دوم

امام خمینی (ره) در حاشیه بر عروة الوثقی بیان می‌دارند: اگر این هزینه‌ها مقتضای مصلحت در تجارت باشد از سرمایه تجارت قابل برداشت خواهد بود (موسوی خمینی ۱۳۹۲ش: ۴۶۵/۲). همچون زمانی که چیزی به ظالم اعطا می‌کند تا مانع تجارت وی نشود و با این اعطا، مسیر خویش را در تجارت، هموارتر می‌کند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۱/۱۹).

### ۱/۱/۳. دیدگاه سوم

محقق سبزواری معتقد است تنها در صورتی که عنوان هزینه بر این موارد صادق باشد، برداشت از سرمایه تجارت، جایز خواهد بود؛ بنابراین، اگر عنوان هزینه، صدق نکند حق برداشت هم ندارد و علت عدم شمول جوایز و هدایا در هزینه‌ها این است که عرف، این موارد را مشمول هزینه نمی‌داند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۱/۱۹).

نگارندگان بر این باورند که دلیل اساسی جواز برداشت هزینه از سرمایه، سیره عقلانیه است. این سیره دیدگاه اول را به‌طور یقینی تأیید می‌کند اما نسبت به دیدگاه دوم نیازمند تتبع و بررسی فقهی است که آیا می‌توان به‌صرف سودآوری بیشتر و مصلحت‌اندیشی در مسیر تجارت، حکم جواز صادر کنیم یا خیر؟ و از آنجا که سیره دلیل لبی است و به قدر متیقن آن اکتفا می‌شود، استناد به سیره برای اثبات جواز صحیح نیست.

آنچه می‌توان از سیره عقلانیه برداشت کرد این است که در این موارد اگر هزینه‌ها به‌صورت مساوی بر عهده سرمایه‌گذار و کارگزار بیاید مطلوب خواهد بود و با سیره نیز مخالفتی ندارد.

### ۲. قید سفر

یکی از قیود اصلی در این پژوهش عنوان سفر است که پیرامون آن سؤالاتی مطرح

است:

## ۲/۱. ملاک سفر

آنچه محور این مسئله قرار گرفته، عنوان سفر است؛ لذا باید تبیین شود که مقصود از سفر چه نوعی از سفر است؟ سفر عرفی<sup>۱</sup> یا سفر شرعی<sup>۲</sup> ملاک است؟

منظور از سفر در این فرض، سفر عرفی است نه شرعی؛ به عبارت دیگر، طبق دیدگاه محقق خویی، سفر یعنی در حضر نباشد (خویی، ۱۴۱۸ق، ۵۲/۳۱). بنابر این برداشت، هزینه سفر شامل سفر کم‌تر از مسافت شرعی هم می‌شود؛ زیرا، از نگاه عرف، مسافر محسوب می‌شود. همان‌طور که اگر در شهری به مدت ده روز یا بیشتر اقامت داشته باشد نیز هزینه‌اش از سرمایه تجارت خواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۴/۳۴۸؛ نجفی، ۱۳۶۲، ۳۴۵/۲۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۳/۵).

یکی از فقهای معاصر به‌طور کلی برای عنوان سفر موضوعیتی قائل نیست و صرف رفت و آمدهای منجر به هزینه را موضوع حکم جواز برداشت تلقی می‌نماید. مثلاً همین که شخص در مسافت‌های طولانی در شهرهای بزرگ مجبور به اقامت در هتل شود هرچند که مسافر تلقی نشود می‌تواند هزینه‌هایش را از سرمایه بردارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۱/۲۷۱).

جستارهای  
فقهی و اصولی  
سال دهم، شماره پیاپی ۳۵  
تابستان ۱۴۰۳

۱۹۲

چند دلیل می‌توان بر ملاک عرفی بودن سفر برشمرد:

۱) سفر، منصرف به سفر عرفی است که ادله هم بر همین معنا دلالت دارند، مگر اینکه قرینه مخالف موجود باشد و حال آن‌که وجود چنین قرینه‌ای منتفی است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۹/۲۷۱).

۲) اقتضای تناسب حکم و موضوع هم می‌تواند دلیل برای این مدعا باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ۵۲). از آن جهت که سخن از هزینه‌های سفر است و هزینه به سفری

---

۱. سفر عرفی در مقابل سفر شرعی عبارت است از صدق عنوان سفر از نگاه عرف، هرچند از دیدگاه شرع، سفر به شمار نیاید و احکام سفر از قصر نماز و افطار روزه بر آن مترتب نگردد، مانند مسافری که در غیر وطن خود ده روز قصد اقامت کرده است. چنین فردی از دیدگاه عرف مسافر محسوب می‌شود؛ لیکن از منظر شرع، با قصد ده روز از حکم مسافر خارج می‌شود و عنوان حاضر بر او صدق می‌کند و در نتیجه نماز تمام و روزه‌اش صحیح خواهد بود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق، ۴/۴۸۴).

۲. سفر شرعی؛ سفری که موجب قصر نماز می‌گردد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق، ۴/۴۸۴).



تعلق می‌گیرد که مخارج در پی داشته باشد می‌فهمیم که آثار شرعی سفر و مقدار مسافت شرعی نمی‌تواند ملاک باشد.

۳) سفر شرعی قید اضافه دارد و قید اضافه نیازمند اثبات است. دلیلی برای اثبات این قید اضافه، موجود نیست؛ لذا سفر عرفی ملاک است.

اگر دلیل ما صرفاً سیره باشد، سفر عرفی یقیناً می‌تواند ملاک باشد و این نظریه مورد تأیید سیره عقلائییه هم خواهد بود. حتی می‌توان گفت: شاید سفر هم موضوعیت نداشته باشد و بتوان برای مسافت کمتر از سفر عرفی هم، اثبات جواز نمود. در این صورت برای سفر به طریق اولی می‌توان حکم جواز برداشت هزینه‌ها را استنباط کرد اما اگر دلیل بر این مطلب، روایت باشد تعیین مصداق سفر با عرف خواهد بود مگر اینکه همراه با اذن مالک باشد یا مصالحه انجام شود. در این حالت نمی‌توان از روایت صرف نظر کرد؛ زیرا روایت در مقام بیان اصل جواز برداشت نفقه است و این مهم از روایت قابل برداشت است. در روایت، جواز برداشت منوط به قید سفر شده است؛ لذا بر اساس روایت و سیره عقلائییه آنچه یقیناً معتبر است همان جواز در سفر است.

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۱۹۳

لکن نکته قابل تأمل اینکه چنانچه از قید سفر در روایتی که مجوز برداشت هزینه را دارد بتوان الغای خصوصیت نمود، دیگر جواز برداشت هزینه‌های سفر از سرمایه، معلق به قید سفر نیست و سفر موضوعیت ندارد و آنچه ملاک است طی کردن مسافتی است که نیازمند هزینه و مؤونه باشد. طبق این مبنا اگر عنوان سفر نیز صادق نباشد و مسافت قابل توجهی طی شود می‌توان هزینه‌های آن را برداشت نمود. حال اگر مسافتی طی نشود، ولی کارگزار هزینه‌هایی را متحمل شود مطابق ادله جواز، نمی‌توان جواز برداشت را در این فرض نیز ثابت نمود؛ چراکه سیره عقلائییه در این زمینه ما را پشتیبانی نمی‌کند. نسبت به شمولیت روایت نیز در این مورد شک وجود دارد؛ لذا نمی‌توان در مواردی مانند معاملات الکترونیکی که طی مسافتی صورت نمی‌گیرد، حتی با الغای خصوصیت، حکم به جواز برداشت هزینه‌ها را ثابت کرد. مقتضی اصل عدم جواز برداشت هزینه‌ها از سرمایه نیز می‌تواند در اینجا حاکم باشد و دلیل قطعی برخلاف اصل نمی‌توان اقامه نمود.

## ۲/۲. تخلف از مقدار ضرورت در سفر

سفر باید به اندازه ضرورت و مورد نیاز تجارت باشد. حال اگر مدت اقامت کارگزار از مقدار ضرورت تجاوز کند، اما ادامه اقامت وی در جهت مصلحت تجارت و متعلق آن باشد، حکم آن چگونه خواهد بود؟ مقصود این است که اقامت هم متعلق به تجارت و هم به جهت عمل دیگر باشد، به طوری که هر کدام، علت مستقلاً برای سفر بوده و در صورت فقدان یک علت، سفر به دلیل وجود علت دیگر همچنان باقی می ماند. این فرض از سه حالت خارج نیست:

### ۲/۲/۱. حالت اول:

عمل دیگر، عارض بر تجارت شود.

**دیدگاه اول:** در این فرض، برداشت تمام هزینه از سرمایه تجارت نیز جایز است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۵/۱۷۳).

از نگاه عرف، عنوان کارگزار بر شخص مضارب نیز صدق می کند و مشمول اطلاق دلیل می شود و سیره هم شامل این فرض می شود، از این جهت که سرمایه گذار باید هزینه های کارگزار خود را پرداخت کند؛ اعم از اینکه کارگزار در شهری که در آن مشغول به تجارت است، فعالیتی غیر از مضاربه داشته باشد یا نداشته باشد (خویی، ۱۴۱۸ق، ۳۱/۵۲). این سفر از منظر عرف، سفری برای انجام تجارت محسوب می شود و عارض شدن چنین مواردی حین تجارت نیز غالباً رخ می دهد.

**دیدگاه دوم:** اما اگر عنوان کارگزار مضاربه بر وی صادق نباشد و در صورتی که در پرداخت هزینه های عمل عارض شده شک ایجاد شود، اصل بر عدم اذن سرمایه گذار بوده و می بایست هزینه اعمالی که غیر از تجارت بوده از مال کارگزار پرداخت شود. همچنین این مورد، مشمول اطلاق دلیل نمی شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۹/۲۷۲).

با توجه به اینکه دلیل اصلی این مسئله سیره عقلانیه است و روایت در مقام بیان صور مطرح شده، نیست. سیره عقلانیه هم هر جایی که از نگاه عرف بر شخص، عامل مضارب صدق کند، مشمول جواز برداشت هزینه ها می داند؛ لذا حکم جواز برداشت هزینه ها موجه است، لکن برخی استدلالات مورد خدشه است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۱۹۴

## ۲/۲/۲. حالت دوم

در صورتی که تجارت و عمل دیگر در عرض یکدیگر واقع شوند.

در این فرض، حداقل سه قول وجود دارد:

**دیدگاه اول:** برداشت هزینه‌ها از سرمایه تجارت است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق.

۱۷۳/۵: خویی، ۱۴۱۸ق، ۵۲/۳۱) البته مطابق نظر صاحب العروة الوثقی آنچه مطابق

احتیاط است این است که پرداخت تمام هزینه‌ها از مال کارگزار باشد (طباطبایی یزدی،

۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵).

**دیدگاه دوم:** مربوط به آیت‌الله شیرازی است که پرداخت هزینه‌ها را به عهده

سرمایه‌گذار می‌داند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۳/۵).

**دیدگاه سوم:** دیدگاه امام خمینی است که معتقدند توزیع هزینه، مطابق با احتیاط

است (موسوی خمینی ۱۳۹۲، ۲/۴۶۵) بدین معنا که نسبت به تجارت از سرمایه تجارت

برداشت شود و نسبت به عمل دیگر از مال کارگزار پرداخت شود.

**دیدگاه چهارم:** در صورتی که این امر، از نظر عرف بر مصلحت تجارت صدق

نکند یا مصلحت بودن آن برای تجارت محلّ شک باشد، مشمول اطلاق دلیل

نخواهد شد و می‌بایست خودش هزینه را پرداخت کند؛ در غیر این صورت به عهده

سرمایه‌گذار است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۹/۲۷۲).

در اینجا نیز باید بررسی کنیم که آیا آن کار دیگر، این فرد را از عنوان عامل

مضارب بودن خارج می‌کند یا علی‌رغم مشاغل دیگری که دارد، همچنان عامل

مضارب است؛ چرا که عرف، مقدار اکثر را ملاحظه می‌نماید. مثلاً به کارمند اداره‌ای

که بخشی از روز را به جابه‌جا کردن مسافر اختصاص می‌دهد نیز «مسافرکش» گفته

نمی‌شود و عنوان کارمندی از وی سلب نخواهد شد یا حداقل این است که هر دو

عنوان بر وی صادق است. مگر اینکه انجام این کار به قدری زیاد شود که کارمندی

وی را تحت الشعاع خود قرار دهد. لذا در مسئله مورد بحث نیز عنوان عامل مضارب

با کارهای دیگر خدشه‌دار نمی‌شود؛ مگر اینکه انجام آن کارها آن قدر زیاد شود که

به‌سختی بتوان این شخص را عامل مضارب دانست یا اینکه به‌طور کلی تحت عنوان

عامل قرار نگیرد.

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضارب در  
سفر

۱۹۵

**دیدگاه پنجم:** مرحوم شاهرودی دیدگاهی را به عنوان سخن دیگران نقل می نماید که بیان می کند ملاک پرداخت هزینه‌ها در این فرض، متوقف بودن عمل تجاری بر سفر است؛ بدین صورت که:

۱- اگر تجارت متوقف بر سفر باشد، برداشت هزینه‌های مربوط به عمل دیگر هم از سرمایه جایز است حتی اگر اهمیت غرض وی به عمل دیگر به اندازه‌ای باشد که بدون آن غرض اقدام به سفر نمی کرد.

۲- اگر تجارت متوقف بر سفر نباشد، برداشت هزینه‌ها از سرمایه جایز نیست حتی اگر انگیزه او صرفاً رفتن به سفر برای تجارت باشد؛ بنابراین هیچ وجهی برای توزیع وجود ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۱/۲۷۱).

مرحوم شاهرودی قاعده التزام<sup>۱</sup> و اطلاق روایت علی بن جعفر<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۶۳ق، ۲۴۱/۵) را به عنوان دلیل برای این دیدگاه ذکر می کنند لکن خودشان برداشتی متفاوت از روایت دارند و بیان می کنند که اصلاً روایت در مقام بیان این موارد نیست و لذا اطلاقی نیز در بر ندارد. ایشان بعد از این به تقویت دیدگاه توزیع می پردازند. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۱/۲۷۲).

### نقد و بررسی

ملاک در این فرض، عرف است و عرف تعیین مصداق می کند. اگر عرف، وی را عامل مضاربه بداند، سیره عقلاً هم بر این امر استوار خواهد بود که عامل مضاربه، هزینه‌اش را از سرمایه بردارد و دلیلی بر توزیع وجود ندارد. نسبت به فرض تفکیک توقف تجارت بر سفر از غیر آن باید این گونه گفت که هرچند مصلحت قابل اعتنایی هم در این سفر نبوده باشد، به گونه‌ای که در همان محل سرمایه هم امکان انجام آن

۱. التزام در این جا بدین معناست که اگر تجارت متوقف بر سفر باشد و فرد اذن داده باشد، همین اذن وی را ملتزم نموده است که کارگزار اجازه دارد هزینه‌ها را بردارد.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى ثَقَفِي (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۵۳) عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ ثَقَفِي (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۰۳) عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ ثَقَفِي (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۵۹) عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فِي الْمُضَارَبِ مَا أَنْفَقَ فِي سَفَرِهِ فَهُوَ مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ وَإِذَا قَدِمَ بَلَدَهُ فَمَا أَنْفَقَ فَمِنْ نَصِيْبِهِ (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵). علی بن جعفر از برادرش ابو الحسن عليه السلام نقل کرده است که فرمودند: «در مورد مضاربه، هر مقدار که در سفر خود خرج کند، از تمام مال است و وقتی به وطن خود برگشت، هر مقدار که خرج کند، از سهم خود اوست.»

کار باشد؛ چراکه عقلا، چنین سفری را منع نمی کنند و ممکن است برای عامل، غرض عقلایی باشد و در این سفر انگیزه‌هایی برایش قابل تصور باشد. ضمن اینکه مهاجرت، خصوصاً در تجارت نیز غالباً بهره‌هایی را در پی دارد. امروزه نیز با وجود امنیت جاده‌ها و وسایل حمل و نقل پیشرفته و حمل نکردن پول‌ها به خاطر وجود بانک‌ها، مانعی برای سفر کردن وجود ندارد. با توجه به این احتمال عقلایی، ممکن است عامل در سفر، سود بیشتری را به دست آورد که این امر می‌تواند مجوز خوبی باشد. پس، قید متوقف بودن تجارت بر سفر ن، در کلام مستشکل وجهی ندارد.

### ۲/۲/۳. حالت سوم

در صورتی که علت سفر، مجموعی از تجارت و عمل مذکور باشد. بدین معنا که هر یک جزئی از علت سفر باشد؛ به گونه‌ای که در صورت فقدان یک علت، سفر به صرف وجود علت دیگر، محقق نمی‌شود و به‌طور کامل منتفی خواهد شد. در اینجا نیز چند قول بیان شده است:

**دیدگاه اول:** با توجه به این فرض، ظاهراً هزینه توزیع می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵)؛ زیرا؛

**اولاً:** اقتضای ارتکاز عرفی هم توزیع است. به صورتی که:

الف) اگر عرفاً عملش به‌طور کامل مستند به سرمایه‌گذار شود، تمام هزینه به عهده سرمایه‌گذار خواهد بود.

ب) اگر تمام عملش مستند به سرمایه‌گذار نباشد، بلکه صرفاً بخشی از عمل و فعالیت وی در خدمت سرمایه‌گذار باشد نیز صرفاً نسبت به همان بخش مستحق برداشت هزینه از سرمایه‌گذار خواهد بود.

بنابراین برحسب این ارتکاز عرفی، ممکن است بتوان از صحیحۃ علی بن جعفر نیز برای حکم مذکور استفاده کرد؛ چراکه سفر مجموعاً مستند به سرمایه‌گذار و عمل کارگزار بوده است و به نسبتی که در جایگاه کارگزار مضاربه تجارت کرده، مستحق مطالبه هزینه از سرمایه‌گذار است (خویی، ۱۴۱۸ق، ۵۳/۳۱).

ثانیاً: دلیل دیگر اینکه تجارت و عمل دیگر، هرکدام عرفاً علت سفر محسوب می‌شوند و علت سفر بر آن‌ها صادق است. به‌طور خلاصه، منشأ بقای کارگزار در سفر از این حالت‌ها خارج نیست:

(الف) منحصر در هدف مضاربه: هزینه به عهده سرمایه‌گذار است.

(ب) منحصر در هدف شخص کارگزار: هزینه به عهده کارگزار است.

(ج) مشترک در هدف مضاربه و شخص کارگزار: توزیع.

(د) هر یک از اهداف در عرض یکدیگر بوده، به‌طوری‌که بدل یکدیگر در منشأ هستند: ممکن است هزینه بر سرمایه‌گذار باشد، از این حیث که در نفس الامر برای مضاربه هم کار می‌کند اما آنچه موافق با احتیاط است، مصالحه است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۲/۱۹).

اگر عرف کارگزار را عامل مضاربه در سفر تلقی کند، به‌عنوان عامل مضاربه امکان برداشت هزینه‌ها برایش وجود دارد؛ زیرا، سیره عقلاً بر این است که عامل مضاربه در سفر می‌تواند هزینه‌هایش را از سرمایه بردارد. این تبعیض مورد توجه عرف نیست. ضمن این که عرف در این گونه موارد با مسامحه رفتار می‌کند. در بسیاری اوقات، هزینه‌های سفر، هزینه در عرض نیستند؛ مثلاً وی به‌وسیله خوردن یک وعده غذا می‌تواند تمام کارهایش را پیگیری کند یا اگر یک روز اسکان لازم است، به همان یک روز اکتفا کند و تمام کارهایش را انجام دهد. بدیهی است که اگر اسکان مجزا لازم داشته باشد و بخواهد به شهر دیگری برای آن کار غیر مضاربه سفر کند یا به گونه‌ای باشد که مضاربه برایش فرع محسوب شود، حکم به برداشت هزینه‌ها ممکن نیست. در غیر این موارد، برداشت هزینه‌های سفر از سرمایه مانعی ندارد و این اغراض دیگر همچون فرع خواهد بود؛ زیرا، این فرد، عامل مضاربه است و همین امر می‌تواند مجوز باشد. اگر روایت علی بن جعفر (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵) را هم مستند قرار دهیم، با توجه به اینکه عنوان عامل مضاربه در سفر بر وی صادق است باز هم می‌تواند هزینه‌ها را بردارد. **دیدگاه دوم:** آیت‌الله شیرازی: به عهده سرمایه‌گذار است (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵).

در اینکه هزینه‌ها به عهده سرمایه‌گذار باشد نیز باید دلیل موجهی ارائه دهیم:

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۱۹۸

چون تاکنون اثبات کردیم که هزینه‌ها از سرمایه برداشت می‌شود. لذا برداشت از سرمایه‌گذار نیازمند دلیل است.

**دیدگاه سوم:** آیت‌الله گلپایگانی: نظر ایشان مبنی بر این است که برداشت تمام هزینه از سرمایه تجارت نیز امری ممکن است (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵). دلیل ایشان همان اطلاق نص یعنی روایت صحیحہ علی بن جعفر است.

ظاهراً روایت صحیحہ علی بن جعفر در مقام بیان این گونه موارد نیست و در مقام بیان اصل جواز برداشت هزینه‌ها در سفر است؛ لذا اگر به همان سیره عقلا مراجعه شود نیز صحیح خواهد بود. هرچند که ما در نتیجه سخن با ایشان موافق هستیم. با توجه به مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد که باید گفت برداشت تمام هزینه‌ها هم از سرمایه مانعی ندارد.

### ۳. تجاوز از میزان عرفی هزینه‌های سفر

معیار اندازه‌گیری هزینه‌های کارگزار مضاربه در سفر، عرف است (طباطبائی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۳/۵) لکن گاهی از این میزان تجاوز می‌شود. این تجاوز از میزان می‌تواند در دو جهت باشد:

#### ۳/۱. با اسراف و زیاده‌روی

در صورت اسراف در مخارج، پرداخت آن به عهده کارگزار و عامل مضاربه خواهد بود (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۴۶/۲۶؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۳/۵)؛ زیرا از محدوده اذن سرمایه‌گذار خارج شده و ضامن است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۱/۱۹؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ۵۲/۳۱).

#### ۳/۲. با اقتار و سخت گرفتن

اقتار عبارت است از «تنگ گرفتن بر خویش یا دیگری در زندگی». به عبارت دیگر، اگر شخصی در مخارج بر خود تنگ بگیرد و کمتر از اندازه نیاز (مطابق شأن خود) هزینه کند و به گونه‌ای بخل بورزد، این عمل او نیز «اقتار» نام می‌گیرد (نجفی، ۱۳۶۲، ۶۳/۱۶؛ جلالی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۰۷؛ فرقان، ۶۷). مثلاً شأن کارگزار، اقامت در هتل سه ستاره است در حالی که در مسافرخانه‌ای با امکانات و محیطی با کیفیت بسیار پایین‌تر ساکن می‌شود.

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۱۹۹

در صورتی که کارگزار خود را در تنگنا قرار دهد و کمتر از شأن خودش هزینه کند یا در مدت سفر، میهمان شخص دیگری شود تا هزینه‌ای نکند، استحقاق برداشت هزینه‌ها را از سرمایه تجارت نخواهد داشت (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۵/۱۷۳؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ۳/۱۳)؛ زیرا ملاک برداشت از سرمایه تجارت، مصرف بالفعل است و به صورت بالقوه در قالب بدهی محقق نخواهد شد؛ بدین معنا که متعارف، آن است که نفس هزینه‌های سفر اعمال شود و نه قیمت و ارزش آن‌ها (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۹/۲۷۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۱/۲۷۰). به عبارت دیگر، در صورت اخیر، نمی‌توان شخص کارگزار را تحت عنوان طلبکار سرمایه گذار تلقی کرد؛ زیرا کارگزار به واسطه عقد مضاربه، مالک اموال سرمایه گذار نمی‌شود بلکه تنها به مقدار مخارج، جواز تصرف در سرمایه تجارت را دارد؛ بنابراین، در صورتی که از مقدار مجاز استفاده نکند، موضوع حکم جواز (تصرف در سرمایه تجارت به مقدار لازم) نیز منتفی خواهد شد (خویی، ۱۴۱۸ق، ۳۱/۵۲).

در نتیجه می‌توان گفت: در صورت اسراف بحثی وجود ندارد که عامل نمی‌تواند هزینه‌ها را بردارد اما در صورت اقتار و صرفه‌جویی وی، این نظریه قابل بررسی است: اگر از باب نفقات پیش برویم مسئله صورت دیگری به خود می‌گیرد. در باب نفقات نمی‌توان زوجه را اجبار کرد که حتماً باید این خوراک را خودت بخوری و گرنه حق نداری آن را بفروشی؛ چرا که این غذا مال اوست و بر آن سلطه دارد (موسوی خمینی ۱۳۹۲، ۲/۳۴۱). روایت سلیمان بن سالم (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۲۸۸) در باب اجاره هم می‌تواند مؤیدی بر این نظریه قرار گیرد، البته به دلیل ضعف سند (تبریزی ۱۳۹۳، ۲۱۹) و ورود در بحث اجاره، صلاحیت دلیل بودن در مضاربه را ندارد<sup>۱</sup> در اینجا هم اگر نفقه سفر به ملکیت وی درآید حکم آن متغیر خواهد شد و مانند

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۲۰۰

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اسْتَأْجَرَ رَجُلًا بِنَفَقَةٍ وَ ذَرَاهِمَ مَسْمَاةٍ عَلَى أَنْ يَبْعَهُ إِلَى أَرْضٍ فَلَمَّا أَنْ قَدِمَ أَقْبَلَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ يَدْعُوهُ إِلَى مَثَرِلِهِ الشَّهْرِ وَ الشَّهْرَيْنِ، فَيَصِيبُ عِنْدَهُ مَا يَغْنِيهِ عَنْ نَفَقَةِ الْمُسْتَأْجِرِ فَيَنْظُرُ الْأَجِيرَ إِلَى مَا كَانَ يَنْفِقُ عَلَيْهِ فِي الشَّهْرِ إِذَا هُوَ لَمْ يَدْعُهُ فَكَافَأَهُ الَّذِي يَدْعُوهُ فَمِنْ مَالٍ مِنْ تِلْكَ الْمَكَافَأَةِ أَوْ مِنْ مَالِ الْأَجِيرِ أَوْ مِنْ مَالِ الْمُسْتَأْجِرِ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ فِي مَصْلَحَةِ الْمُسْتَأْجِرِ فَهُوَ مِنْ مَالِهِ وَ إِلَّا فَهُوَ عَلَى الْأَجِيرِ وَ عَنْ رَجُلٍ اسْتَأْجَرَ رَجُلًا بِنَفَقَةٍ مَسْمَاةٍ وَ لَمْ يُقَسِّرْ سَبِيحًا عَلَى أَنْ يَبْعَهُ إِلَى أَرْضٍ أُخْرَى فَمَا كَانَ مِنْ مَثُونَةِ الْأَجِيرِ مِنْ غَسْلِ الثِّيَابِ وَ الْحَمَامِ فَعَلَى مَنْ قَالَ عَلَى الْمُسْتَأْجِرِ.



سایر نفقات خواهد بود ولی ظاهراً دلیل اثبات جواز برداشت هزینه و نفقه در اینجا این مقدار را ثابت نمی‌کند و سیره عقلانیه صرفاً استفاده بالفعل را مجاز می‌داند.

### ۳. اقسام سفر

سفر کارگزار مضاربه از حیث اذن سرمایه‌گذار به دو صورت مأذون و غیر مأذون قابل بررسی است:

#### ۳/۱. سفر همراه با اذن سرمایه‌گذار

##### دیدگاه‌ها

**دیدگاه اول:** در صورتی که سفر، مجاز باشد، برداشت تمام هزینه‌ها از سرمایه تجارت نیز جایز است؛ مگر سرمایه‌گذار شرط کند که هزینه‌های سفر به عهده کارگزار باشد (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ق، ۲۲۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۴۰۸/۲؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ۲۶۴/۱؛ قاضی ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۴۶۶/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱۱۱/۲؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۲/۵).

##### ادله

۱. بر اساس قاعده عقلی تلازم که اذن در شیء را اذن در لوازم آن نیز است اذن در برداشت هزینه‌ها از لوازم اذن در سفر است؛
۲. یکی از ادله این مدعا سیره عقلانیه‌ای است که بیانگر آن است که میان آن‌ها از دیرزمان در موضوع هزینه‌های کارگزار مضاربه در سفر جریان داشته است. این سیره نه تنها مورد نهی شارع قرار نگرفته است بلکه مانند روایت صحیحه علی بن جعفر (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵) مورد تأیید نیز قرار گرفته است.
۳. دلیل دیگر بر این مدعا، اجماع است که صاحب جواهر از آن به حجت تعبیر می‌کند (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۴۵/۲۶).
۴. روایت صحیحه علی بن جعفر<sup>۱</sup>: علی بن جعفر گوید: امام کاظم علیه السلام در

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى نَقَه (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۵۳) عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيِّ نَقَه (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۰۳) عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ نَقَه (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۵۹) عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: فِي الْمَضَارِبِ مَا أَنْفَقَ فِي سَفَرِهِ فَهُوَ مِنْ جَمِيعِ الْأَمْوَالِ وَإِذَا قَدِمَ بَلَدَهُ فَمَا أَنْفَقَ فَمِنْ نَصِيْبِهِ (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵).

مورد کسی که مال مضاربه‌ای گرفته است، فرمود: «مخارج سفر از کل سرمایه حساب می‌شود، ولی وقتی به شهر خود رسید اگر خرج کند از سهم خودش محسوب می‌شود.

### نقد و بررسی

۱. التزام عقلی در اینجا روشن نیست. زیرا نمی‌توان گفت که چون سرمایه‌گذار اجازه داده که کارگزار با سرمایه‌اش به سفر رود، مستلزم این است که هزینه را هم از سرمایه بردارد. لذا به‌تنهایی نمی‌شود از التزام چیزی برداشت کرد. باید به همراه این التزام، سیره وجود داشته باشد که بتوان این التزام را برداشت نمود. به این معنا که التزام اذن در سفر با اذن در هزینه‌ها باید توسط عرف ساخته شده باشد که بتوان آن را استنباط نمود. زیرا که این التزام، عرفی است. هنگامی که التزام ثابت شد، اگر سرمایه‌گذار اذن در سفر می‌دهد لامحاله اذن در برداشت هزینه‌ها هم استنباط می‌شود.

۲. سیره عقلی می‌تواند در اینجا مدرک محکمی باشد و تأیید شارع هم وجود دارد. این تأیید علاوه بر سکوت شارع و عدم ردع وی، با روایت صحیحه علی بن جعفر (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵) تأیید صریح شده است.

۳. اجماع در اینجا جایگاهی ندارد؛ زیرا یا معلوم‌المدرک است و یا اینکه محتمل‌المدرک است؛ لذا اعتباری ندارد، هرچند به‌عنوان مؤید، خوب است. در اصول فقه بیان شده است که اجماع مدرکی یا محتمل‌المدرک اعتباری ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ۵۰۲/۳).

۴. نسبت به شرط می‌توان این‌گونه اشکال نمود که آیا این شرط با روایتی که هزینه‌ها را بر سرمایه قرار می‌دهد منافات ندارد؟ در پاسخ بیان می‌شود که در روایت، صرفاً بیان حقی برای کارگزار است که می‌تواند آن را اسقاط کند و مانعی برای آن نیست.

دیدگاه تحقیق این است که هزینه‌ها در سفر قابل برداشت است، ولی در استدلال‌ات مطرح شده مناقشاتی وجود داشت که بیان شد. دلیل مورد تأیید همان سیره عقلانی و تأیید شارع مقدس است که حجیت آن را تضمین می‌کند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۲۰۲

**دیدگاه دوم:** برخی دیگر از جمله شیخ طوسی قائلند که هزینه‌ها مطلقاً به عهده کارگزار است. ظاهراً مراد قائلین به این نظر در صورتی است که کارگزار، برداشت هزینه از سرمایه تجارت را شرط نکرده باشد (شیخ طوسی؛ ۱۳۸۷، ۱۷۲/۳؛ همچنین به نقل از: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۲/۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۰/۱۹). همچنین مرحوم هاشمی شاهرودی، این دیدگاه را مربوط به جایی می‌داند که تجارت، متوقف بر رفتن به سفر نباشد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۲۶۹/۱).

### ادله

در استدلال گفته شده بنای کارگزار در مضاربه، صرفاً کسب سود است و تمام آنچه که در تحصیل سود مصرف می‌کند نیز به عهده خودش خواهد بود. به عبارت دیگر، جهت سودآوری خودش خرج کرده و لذا از کسی طلبکار نیست؛ در نتیجه، نمی‌توان این گونه قائل شد که جواز برداشت از سرمایه تجارت را دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۲/۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۰/۱۹).

### نقد و بررسی

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۲۰۳

سید عبدالاعلی سبزواری به این دیدگاه اشکال وارد کرده و بیان می‌کند: «اولاً اگر سرمایه‌گذار تصریح کند و متعاملین نیز توافق کنند که هزینه‌های سفر به عهده سرمایه‌گذار باشد، همچنان معتقدید پرداخت هزینه‌ها به عهده کارگزار است؟! و ثانیاً بنای کارگزار در مضاربه، کسب سود بوده و خسارت یا به عهده سرمایه‌گذار است یا به عهده هر دو است. پس، تعلق همه هزینه به ذمه کارگزار به صورت مطلق قابل تصور نیست؛ چرا که بنای کارگزار، پرداخت تمام هزینه‌ها نیست» (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۰/۱۹). از سوی دیگر، محقق خوبی، بیان داشته که نظر گروه دوم با اطلاق اذن منافات دارد (خوبی، ۱۴۱۸ق، ۵۱/۳۱). ظاهراً مراد از این منافات، این است که اذن سرمایه‌گذار برای سفر به صورت مطلق بیان شده و به تبع آن، اذن در برداشت هزینه‌ها از سرمایه هم فهمیده می‌شود؛ لذا دیدگاه گروه دوم که پرداخت هزینه‌ها را به کارگزار نسبت می‌دهد نیز با اطلاقی که در اذن سرمایه‌گذار وجود دارد، سازگار نیست.

صاحب جواهر نیز این دیدگاه را «اجتهاد در مقابل نص» می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۴۵/۲۶). ضمن اینکه، قبول این نظریه توسط شیخ طوسی (ره) نیز مسلم نیست؛ زیرا

ایشان در اثر دیگرش (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴۶۱/۳) نظریه جواز را بیان می‌دارد و حتی علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۵ق، ۲۴۲/۶) برداشت نموده است که نظر شیخ این گونه نیست و نفقه را مجاز می‌داند ولی ظاهراً این گونه که علامه حلی تصور نموده است، نیست.

**دیدگاه سوم:** در صورتی که تجارت کردن متوقف بر رفتن به سفر باشد، برداشت تمام هزینه‌ها از سرمایه تجارت جایز است؛ مگر سرمایه گذار، شرط خلاف کند که در این صورت نیز حق برداشت از سرمایه را ندارد. پس، اگر از سرمایه بردارد، ضامن خواهد بود. اما اگر تجارت، متوقف بر سفر کردن نباشد نیز برداشت از سرمایه، جایز نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۲۶۹/۱).

#### ادله

- ۱- در فرضی که مضاربه اقتضای مسافرت را دارا باشد، اذن در سفر ملازم با اذن در برداشت هزینه‌ها نیز خواهد بود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۲۶۹/۱). قاعده عقلی التزام که اذن در شیء را اذن در لوازم آن می‌داند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۲۶۹/۱).
- ۲- صحیح‌ه علی بن جعفر (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵).
- ۳- سیره عقلا (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۲۶۹/۱).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۲۰۴

#### نقد و بررسی

در اینجا، ایشان قاعده عقلی التزام را صرفاً در صورتی که تجارت متوقف بر سفر باشد، صحیح می‌داند. حال آنکه بیان کردیم که این قاعده هنگامی مفید است که توسط سیره مستمر، این التزام شکل گرفته باشد. بنابراین اگر مسئله ما وابسته به این شد، باید در نظر بگیریم که این سیره چه مقدار می‌تواند اثبات داشته باشد. آیا سیره جاریه، التزام را صرفاً درجایی برقرار کرده است که تجارت بر سفر متوقف باشد یا اگر بر سفر هم متوقف نباشد و سفر در راستای کسب سود و احتمال عقلایی سود بیشتر هم باشد، این سفر می‌تواند مجاز باشد و مستلزم این است که هزینه‌ها بر عهده عامل نباشد نیز می‌توان برداشت نمود که اذن در سفر مستلزم اذن در لوازم آن هم هست و هزینه در صورت عدم توقف تجارت بر سفر هم قابل برداشت است. ضمن

اینکه در مورد جایی که کارگزار به امر و دستور سرمایه گذار سفر کرده باشد هر چند که سفر مقتضای تجارت نبوده سخن ایشان قابل قبول نیست.

**دیدگاه چهارم:** کارگزار می تواند، مابه التفاوت هزینه هایش در سفر و حضر را برداشت نماید (فاضل آبی، ۱۴۰۸ق، ۱۴/۲؛ زهدری حلی، ۱۴۲۸ق، ۳۰۹/۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۲/۵).

### ادله

در اینکه نفقه حضر بر عهده خود وی است، اجماع وجود دارد و در نتیجه آن مقدار مساوی سفر و حضر نمی تواند از سرمایه برداشت شود. صرفاً آن مقدار مابه التفاوت قابل برداشت است. برخی نیز این گونه بیان کرده اند که آن زیاده ناشی از سفر است و همان زیاده باید به ناچار برداشت شود (بحرانی، ۱۳۶۳، ۲۱۰/۲۱).

### نقد و بررسی

این دیدگاه نیز فاقد دلیل معتبر است؛ زیرا اجماع معتبری وجود ندارد و حتی خود صاحب حدائق که این اجماع را نقل نموده، تعبیر به سخیف و ضعیف نموده است (بحرانی، ۱۳۶۳، ۲۱۰/۲۱). صاحب جواهر هم آن را مخالف با روایت صحیح علی بن جعفر برمی شمارد (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۴۵/۲۶).

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۲۰۵

### ب- سفر بدون اذن سرمایه گذار

ممکن است چند حالت داشته باشد:

الف) در اصل سفر اجازه نداشته باشد.

ب) در اصل سفر اجازه دارد؛ اما در جهت اذن سرمایه گذار سفر نکند. و تجارت را متناسب با اهداف سرمایه گذار انجام ندهد یا همسو با آن نباشد؛ به عنوان مثال: در شهری غیر از شهری که اذن داده شده سفر کند.

ج) در اصل سفر اجازه دارد؛ اما از محدوده اذن سرمایه گذار نیز تعدی کند. در این فرض، ممکن است سرمایه گذار، انجام اعمالی را در تجارت، ممنوع اعلام کند و چارچوب مشخصی برای تجارت تعیین کند. اما شخص کارگزار، تجارت را در راستای

این موارد ممنوعه انجام دهد؛ مثلاً سرمایه‌گذار فقط تجارت در فلان شهر را اذن داده درحالی که کارگزار در شهر دیگری به تجارت بپردازد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵).

**دیدگاه اول:** کارگزار تنها زمانی مستحق هزینه خواهد بود که سفر وی از جانب سرمایه‌گذار، مجاز باشد؛ بنابراین، در تمام حالت‌های سه‌گانه‌اخیر، حق برداشت هزینه‌های چنین سفری را از سرمایه‌تجارت نخواهد داشت (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۲/۵ و ۱۷۴).

### ادله

۱- زیرا، تصرف در مال غیر بدون اذن سرمایه‌گذار آن بوده و این امر از حرام‌های یئنی است که ادلهٔ اربعه آن را تأیید می‌کند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۶۹/۱۹).

۲- مقتضای قاعده در فرض عدم اذن، عدم جواز اخذ هزینه‌ها است که ظاهراً مقصود قاعده در این فرض، حرمت تصرف در مال دیگران بدون اذن آن‌ها است.

۳- مشمول صحیحۀ علی بن جعفر (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵) نمی‌شود؛ زیرا در مقام بیان این فرض نیست:

۴- عدم صدق سفر بر این موارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۲۷۳/۱) به عبارت دیگر، هیچ‌یک از این حالت‌های سه‌گانه نمی‌تواند تحت عنوان «سفر مضارب» قرار گیرد.

### نقد و بررسی

در اینجا، باید ببینیم که آیا با این تعدی، عقد مضاربه باطل است یا خیر؟ اگر مضاربه باطل شده است که دیگر معنایی ندارد برداشت صحیح باشد؛ ولی اگر با این تعدی، مضاربه باطل نمی‌شود و چنانچه سودی حاصل شود نیز بین آن دو تقسیم خواهد شد. بنابراین، دیگر وجهی برای عدم جواز برداشت نیست؛ زیرا، وی از عنوان مضارب خارج نشده است؛ بلکه فقط تخلف از اذن نموده است. این تحقیق دلیل اصلی جواز برداشت هزینه‌ها را ملازمه اذن در سفر با اذن در برداشت نمی‌دانست و سیرۀ عقلانیۀ را مدرک اصلی قرار می‌داد؛ لذا سیره نیز در اینجا منعی نمی‌بیند.

**دیدگاه دوم:** آیت‌الله گلپایگانی در حاشیه بر عروۀ الوثقی و آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در کتاب خود بیان می‌کنند که چنانچه مضاربه صحیح دانسته شود و سود هم بر اساس مضاربه قابل تقسیم باشد نیز برداشت هزینه‌ها از سرمایه جایز است؛ اعم از این که سفر مجاز یا غیرمجاز باشد. به عبارت دیگر، این دیدگاه، ملاک

جواز برداشت هزینه را اذن سرمایه گذار نمی داند، بلکه بقا و صحت مضاربه را در نظر دارد. این امر با جبران خسارت کارگزار در فرض مخالفت با سرمایه گذار نیز منافاتی ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ۲۷۳/۱).

### نقد و بررسی

این نظریه مطلوب است؛ زیرا که بیان شد ظاهراً مضاربه با این تخلف از بین نمی رود و هنوز باقی است. با وجود بقای مضاربه و سفر عامل مضاربه در جهت آن عقد، سیره عقلا مانع از جواز برداشت هزینه های کارگزار از سرمایه نخواهد بود.

### چگونگی تقسیم هزینه کارگزار در صورت تعدد سرمایه گذاران

در فرضی که تعداد سرمایه گذاران، بیش از یک نفر باشد؛ بدین گونه که شخص کارگزار حداقل برای دو سرمایه گذار یا بیشتر به تجارت پردازد، کیفیت پرداخت هزینه ها چگونه خواهد بود؟ به عبارت دیگر، پرداخت هزینه های سفر چگونه میان سرمایه گذاران، تقسیم می شود؟

در این فرض، دو صورت متصور است:

الف- کارگزار برای دو نفر یا بیشتر تجارت کند.

ب- کارگزار برای خودش و دیگری تجارت کند؛ به عبارت دیگر، یکی از سرمایه گذاران، شخص کارگزار باشد.

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۲۰۷

### دیدگاهها

**دیدگاه اول:** در هر دو صورت، هزینه های کارگزار میان سرمایه گذاران، توزیع

می شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵).

### ادله

۱. ارتکاز عرفی (خویی، ۱۴۱۸ق، ۵۴/۳۱).

۲. صحیحۃ علی بن جعفر<sup>۱</sup> (خویی، ۱۴۱۸ق، ۵۴/۳۱).

۱. کلینی، ۱۳۶۳، ۲۴۱/۵.

۳. به تبع تعدد موضوع، به ناچار حکم هم متعدد می شود (سیزوری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۳/۱۹) بدین معنا که لازمه وجود موضوعات متفاوت از یکدیگر، ایجاد حکم‌های متناسب با هر کدام از این موضوعات خواهد بود. بنابراین، به دنبال متعدد شدن سرمایه گذاران و متفاوت بودن محدوده اوامر آنان و میزان زمان لازم برای انجام کار ایشان نیز حکم پرداخت هزینه‌های متحمل شده هم متفاوت خواهد شد.

**دیدگاه دوم:** آیت الله گلپایگانی: در رابطه با صورت دوم معتقد است که توزیع در این حالت، محل تأمل است؛ بلکه نظر ایشان بر این است که تمام هزینه‌ها به عهده سرمایه گذار دیگر باشد، آن هم مادامی که عقد مضاربه، علت مستقلى برای سفر است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵).

**دیدگاه سوم:** جناب آقایان اصفهانی، خوانساری و شیرازی در حاشیه خود بر عروة الوثقى بیان می دارند که باید اقل الامرین رعایت شود. مراد از «اقل امرین» این است که:

کارگزار باید بررسی کند که هر کدام از سرمایه گذاران بر اساس چه مبنایی در احتساب هزینه‌ها می تواند سهم کمتری داشته باشد. به عنوان مثال: باید فرد الف را با فرد ب در موردی مقایسه کند که سهمش کمتر شود مثلاً اگر فرد الف را نسبت به سرمایه‌اش با فرد ب بررسی کند، سهمش نیز کمتر خواهد شد یا اینکه نسبت به عملش با فرد ب حساب کند سهمش کمتر می شود. در اینجا باید کمترین سهم از شریک اخذ شود تا رعایت احتیاط شده باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵). البته باید در نظر داشت که این احتیاط صرفاً در صورتی امکان دارد که شرکا شامل یک نفر سرمایه گذار و یک نفر کارگزار باشد و در صورت وجود دو سرمایه گذار و شخص ثالث به عنوان کارگزار معنایی نخواهد داشت.

**دیدگاه چهارم:** این دیدگاه را محقق خوبی و آقای فیروزآبادی مطرح کرده اند و معتقدند که دریافت هزینه باید بر اساس میزان عمل فرد باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۴/۵. خوبی، ۱۴۲۱ق، ۴۳۶/۲)

## دله

برای دریافت هزینه و احتساب میزان آن، نیازمند بررسی میزان سرمایه داده شده از



جاناب سرمایه گذاران نیستیم، بلکه آنچه در دریافت هزینه معتبر است، میزان عملی است که به سبب آن به سفر رفته است نه کثرت یا قلت سرمایه. همان طور که اگر یکی از سرمایه گذاران، کارگزار خود را به شهر الف و دیگری را به شهر ب بفرستد، در حالی که سرمایه تجارت هریک متفاوت باشد، اما اگر میزان عمل آنان برابر باشد نیز هزینه برابری هم دریافت خواهند کرد؛ چرا که ملاک در هزینه، میزان سرمایه نیست. مشابه این حکم مانند صورتی است که چند سرمایه گذار در مقابل یک کارگزار باشند. در نتیجه، علت استحقاق دریافت هزینه، میزان عمل کارگزار است (خویی، ۱۴۱۸ق، ۵۴/۳۱).

**دیدگاه پنجم:** این دیدگاه متعلق به امام خمینی رحمته الله علیه است که معتقدند میان فروض سرمایه گذاران تفصیل باید داد:

الف: رعایت اقل امرین در فرضی که کارگزار، یکی از سرمایه گذاران باشد.

ب: توافق و مصالحه سرمایه گذاران با یکدیگر در فرضی که شخص کارگزار از سرمایه گذاران نباشد. بدین صورت که تصمیم بگیرند پرداخت هزینه به کارگزار، بر اساس میزان سرمایه باشد یا بر اساس میزان عمل کارگزار برای هریک از آنها باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۵/۱۷۴).

#### **دیدگاه ششم و مشهور:**

بر اساس این دیدگاه، ملاک مقدار سرمایه است؛ چرا که مقتضای مضاربه، مال است و عمل نیز متفرع بر آن خواهد بود (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۶/۳۴۸؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۵/۱۷۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۹/۲۷۳).

اما ظاهر این است که عرف و اهل خبره نسبت به این امور، آگاه تر بوده و باید به عرف مراجعه کرد. از سوی دیگر، احتیاط این است که تراضی و مصالحه انجام شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۹/۲۷۳).

#### **نقد و بررسی**

در اینکه به طور کلی مصالحه و تراضی مطلوب است، اشکالی وجود ندارد، لکن ما در مقام حکم و قانون گذاری نمی توانیم با مصالحه پیش برویم بلکه باید تکلیف روشن شود. نسبت به احتیاط و اقل الامرین، نظر امام خمینی رحمته الله علیه دقیق است که

اگر یک طرف خود کارگزار باشد نیز احتیاط در اقل است. در غیر این صورت اگر دو طرف، اشخاص دیگری باشند، نمی‌توان اقل الامرین را مصداق احتیاط قرار داد؛ چون در نهایت، در جمع نهایی به طرف دیگر اجحاف می‌شود. اما جدا از بحث احتیاط، حکم مسئله بازهم در گروهی مدرک جواز استحقاق هزینه‌ها است. نگارندگان معتقدند که سیره عقلا، بهترین مدرک در این زمینه است. به همین علت باید در نظر داشت که عقلا، ملاک را در این زمینه چه چیزی قرار داده‌اند؟

ظاهراً آنچه ملاک است نیز همان میزان عمل است. عقلا اجرت را بر اساس میزان کار در نظر می‌گیرند. نفس نگهداری و جابه‌جایی، هم خودش عمل و کاری است که گاهی بر اساس سرمایه‌ها، متفاوت می‌شود. گاهی برای سرمایه کمتر نیز زحمت بیشتر انجام می‌شود و گاهی برای سرمایه بیشتر، زحمت کمتر انجام می‌شود. لذا آنچه محور استحقاق هزینه‌هاست، همان میزان کاری است که برای افراد مختلف انجام می‌دهد. هرچقدر برای آن‌ها کار انجام داده است، هزینه را به همان میزان دریافت خواهد کرد.

رجوع به اهل خبره که توسط سید سبزواری مطرح شده است، نمی‌تواند مرجع حلّ مشکل باشد؛ زیرا در این بحث مدرک شرعی یعنی سیره عقلائی وجود دارد و می‌تواند مشکل را از این بابت حل کند.

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵  
تابستان ۱۴۰۳

۲۱۰

## ۵. هزینه‌های کارگزار در صورت انحلال مضاربه

### ۱/۵. کیفیت هزینه برگشت در صورت فسخ یا انفساخ مضاربه در سفر

اگر فسخ یا انفساخ در اثنای سفر رخ دهد، هزینه برگشت کارگزار از سفر به عهده کدام یک از طرفین است؟ حکم هزینه‌های سفر کارگزار در صورت فسخ و انفساخ از جانب هر یک از طرفین چگونه خواهد بود؟

## دیدگاه‌ها

دیدگاه اول: میان فسخ و انفساخ، تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، به طور کلی،

در صورت حصول فسخ یا انفساخ در اثنای سفر، هزینه برگشت به عهده شخص کارگزار است. اما در صورتی که مضاربه باقی باشد و فسخ یا انفساخ صورت نگیرد کارگزار، حق دریافت هزینه‌های برگشت از سفر را از سرمایه خواهد داشت (محقق ثانی، ۱۴۱۰، ۱۱۴/۸؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹، ۱۷۵/۵).

### ادله

۱- موضوع مضاربه به وسیله فسخ یا انفساخ، زایل شده است (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۷۴/۱۹).

۲- اجماع (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۷۴/۱۹).

**دیدگاه دوم:** محقق خوبی میان فسخ و انفساخ تفصیل قائل شده‌اند:

الف- در فرض انفساخ به واسطه موت یکی از طرفین یا فسخ از جانب کارگزار: هزینه برگشت به عهده کارگزار است.

ب- در فرض فسخ از جانب سرمایه گذار: به عهده سرمایه گذار است؛ به عبارت دیگر- در این فرض- ملزم کردن کارگزار به پرداخت هزینه برگشت نیز مشکل است (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹، ۱۷۵/۵؛ خوبی، ۱۴۱۸، ۵۶/۳۱).

### ادله

**دلیل فرض دوم در این دیدگاه:** زیرا، ارتکاز عرفی، مبنی بر التزام سرمایه گذار بر پرداخت است (خوبی، ۱۴۱۸، ۵۶/۳۱).

**دیدگاه سوم:** در واقع، سید سبزواری معتقد است در صورتی که برگشت از سفر، مستند به سرمایه گذار یا مضاربه باشد نیز می‌توان هزینه بازگشت را از سرمایه برداشت؛ اما اگر دلیل بازگشت از سفر، مشکوک باشد، اصل بر عدم استحقاق برداشت هزینه‌های برگشت است. در واقع، ایشان، تفاوتی میان فسخ و انفساخ قائل نیست (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۷۴/۱۹).

### ادله

الف: در صورتی که سرمایه گذار، سبب برگشت از سفر نباشد: اگر عرفاً از لوازم سفر نباشد نیز هیچ وجهی برای وجوب دریافت هزینه برگشت نخواهد بود.  
ب: در صورتی که سفر، عرفاً سببی برای برگشت باشد: هزینه رجوع واجب است.

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۲۱۱

ج- در صورتی که سبب رجوع کارگزار نیز مشکوک واقع شود؛ مبنی بر این که دلیلی غیر از سرمایه گذار و سفر مضاربه داشته باشد: اصل بر عدم وجوب دریافت هزینه برگشت است و اگر به دلیل مضاربه (روایت) تمسک کنیم، وجهی برای شک در موضوع قابل تصور نیست؛ بنابراین، می بایست موضوع، محرز باشد که مشمول دلیل مضاربه شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۲۷۴/۱۹).

### نقد و بررسی

نگارندگان به این نتیجه رسیده اند که کیفیت فسخ و انفساخ و آثار آن، از ناحیه کارگزار و سرمایه گذار نیز متفاوت است.

#### الف- فسخ از ناحیه کارگزار

۱. در صورتی که بدون عذر عقلایی یا به هدف اضرار به سرمایه گذار باشد: یقیناً نمی تواند هزینه ها را برداشت کند. چه بسا هزینه بازگشت هم به عهده خودش باشد؛ زیرا، اقدام به ضرر خودش نموده است و خودش آگاه بوده که اگر مضاربه ای نباشد، امکان برداشت هزینه ها وجهی ندارد.

۲. اگر عذر وی عقلایی باشد: عرفاً می تواند هزینه بازگشت از سفر را از سرمایه برداشت کند؛ زیرا، وی به خاطر مضاربه و به امید کار، تا پایان مضاربه به سفر رفته است و اینکه هزینه بازگشت به عهده خود فرد باشد نیز عادلانه نخواهد بود و سیره و بنای عقلاییه نیز در برداشت این هزینه مانعی نمی بیند؛ لکن، چه بسا هزینه را تجویز می کند تا به کارگزاری که راهی سفر شده و خودش را به خاطر مضاربه در دیار غربت آواره نموده است، ظلمی صورت نگیرد؛ زیرا عذر او عقلایی بوده و فسخ مضاربه از روی هوس و بی دلیل نبوده است تا بگوییم خودش اقدام بر ضرر نموده است.

#### ب- فسخ از ناحیه سرمایه گذار

۱. بدون عذر عقلایی و از روی اضرار به کارگزار: اینجا، هزینه بازگشت از سوی سرمایه گذار پرداخت می شود؛ زیرا، وی با قطع نظر از وابستگی هایش برای مضاربه عازم سفر شده است و اینجا «شرط ارتکازی عرفی» داریم که اگر سرمایه گذار، به قصد اضرار اقدام به فسخ کند، باید هزینه بازگشت را خودش به عهده بگیرد؛ حتی اگر چنین شرطی انکار شود باید جلوی اضرار را گرفت؛ زیرا که اجازه ضرر زدن به

دیگران به حکم قاعده لاضرر وجود ندارد (بجنوردی، ۱۳۷۷، ۲۰۹/۱).

۲. در صورت عذر عقلایی سرمایه گذار می‌توان حکم نمود که هزینه بازگشت کارگزار از سرمایه کسر شود؛ زیرا، رها کردن کارگزار در سفر مضاربه، ناعادلانه است.

### ج- در صورت انفساخ

میان انفساخ از سوی سرمایه گذار و کارگزار تفاوتی ندارد و به‌طورکلی، برداشت هزینه بازگشت از سرمایه مجاز است. چه‌بسا بر سرمایه گذار لازم است او را بازگرداند؛ مثلاً در صورتی که انفساخ به جهت موت کارگزار باشد، سیره عقلای - خصوصاً متشرعه - بر این است که سرمایه گذار وی را به وطنش بازگرداند.

### ۶- بررسی هزینه کارگزار مضاربه از منظر قانون مدنی و منابع حقوقی

بررسی ماده‌های قانونی مبتنی بر این است که قانون گذار به این مسئله توجه جدی نداشته است. اما، در مواد ۵۴۶ تا ۵۶۰ قانون مدنی به مضاربه و ابعاد آن پرداخته است. لکن به مسئله هزینه‌های کارگزار مضاربه در سفر و جوانب آن، هیچ اشاره‌ای نشده است. همچنین در کتب حقوقی (امامی ۱۳۹۳، ۲ / ۲۰۷؛ طاهری، بی‌تا، ۴ / ۲۵۴؛ توکلی، ۱۳۹۸، ۴۸۷؛ مدنی، ۱۳۸۴، ۵۵) هرچند به باب مضاربه پرداخته شده است، اما تنها دکتر سکوتی نسیمی (سکوتی نسیمی، ۱۳۹۰، ۹۳) به بحث سفر اشاره‌ای کرده و آقای جعفری لنگرودی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ۲۳) در خصوص هزینه‌های کارگزار مضاربه نظریه پردازی مختصری داشته‌اند. لذا نیازمند این بود که پیشنهادهایی داده شود که در پایان پژوهش به آن اشاره شده است.

### ۷- نتیجه‌گیری

#### ۷-۱. هزینه‌های کارگزار در سفر

۷-۱-۱. اقسام سفر با توجه به وجود اذن و عدم آن: با توجه به نظرات مختلفی که از فقها ارائه شد، می‌توان نتیجه گرفت که به‌طورکلی، برداشت هزینه‌های سفر از سرمایه تجارت تنها در صورتی جایز خواهد بود که اولاً مضاربه، صحیح دانسته شود

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۲۱۳

و باقی باشد و ثانیاً سود به دست آمده، بر اساس این مضاربه صحیح، قابل تقسیم میان طرفین باشد.

۲-۱-۷. **مواد از هزینه‌های سفر:** مراد از هزینه‌های سفر، تمام آنچه به آن احتیاج دارد؛ از جمله انواع خوردنی، پوشیدنی، وسیله نقلیه، ابزارهای مورد نیاز در سفر، اجاره مسکن و مانند این‌ها است. اما درباره هزینه‌های جوایز و هدایای اعطاشده و میهمانی‌های برگزار شده، اصل بر عدم صدق عنوان نفقه بر این موارد است و تنها در صورتی که در جهت کسب سود بیشتر انجام شده باشد نیز پرداخت آن باید به صورت برابر میان کارگزار و سرمایه‌گذار نیز تقسیم می‌شود.

۳-۱-۷. **ملاک در میزان هزینه:** به‌طور کلی، ملاک تعیین، عرف است؛ یعنی با توجه به شأنیت هر فرد در عرف، میزان هزینه، برای وی مشخص خواهد شد. در فرض اسراف، برداشت هزینه از سرمایه، وجهی ندارد؛ اما در فرض اقتار نیز می‌توان هزینه‌های صرفه‌جویی شده از جانب کارگزار را به وی بازگرداند.

## ۸- سفر

۸/۱. **ملاک سفر:** ملاک در اینجا، سیره عقلاست. بدین صورت که سیره عقلا، حاکم بر جواز برداشت هزینه از سرمایه باشد و سفر هم موضوعیتی نداشته باشد (یعنی صرفاً طی کردن مسافتی مشخص، شرط نباشد). در نتیجه، برداشت هزینه از سرمایه ولو اینکه به شهر دیگری سفر نکرده باشد و تنها مسافتی را برای انجام تجارت در شهر خویش طی کرده باشد نیز جایز خواهد بود.

۸/۲. **مقدار ضرورت در سفر و فرض تخلف از آن:** در این فرض ملاک، عرف است. بدین صورت که مادامی که عرف، آن شخص را عامل مضاربه تلقی کند نیز برداشت هزینه‌های سفر از سرمایه، جایز است؛ اعم از اینکه تجارت و آن کار دیگر، هر کدام علت مستقلاً برای سفر به شمار آیند یا مجموعاً علت سفر قرار گیرند؛ چرا که سیره عقلا هم تابع عرف است. اما در صورتی که آن کار دیگر، به‌طور کلی به مصلحت تجارت نباشد نیز مادامی که مدت اضافه اقامت کارگزار، از نظر عرف، مقدار قابل توجهی نباشد نیز برداشت هزینه، جایز است و اگر مدت اضافه اقامت

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵

تابستان ۱۴۰۳

۲۱۴

وی، عرفاً به قدری طولانی شود که از عنوان عامل مضاربه خارج شود نیز حق برداشت نخواهد داشت.

۳/۸. تعدد سرمایه‌گذاران: سیره عقلا، بهترین مدرک در این زمینه است. بنابراین، میزان عمل کارگزار، محور استحقاق هزینه‌ها خواهد بود. یعنی میزان دریافت هزینه به مقدار کاری که برای سرمایه‌گذار انجام داده است بستگی دارد.

### ۸/۱. انحلال مضاربه

۱/۴/۸. در فرض فسخ از جانب کارگزار: اگر بدون عذر عقلایی و با هدف اضرار به سرمایه‌گذار، اقدام به فسخ کند، علاوه بر هزینه‌های سفر نیز هزینه بازگشت هم به عهده شخص کارگزار خواهد بود. اما اگر با عذر عقلایی همراه باشد، حق برداشت هزینه بازگشت از سرمایه را دارد.

۲/۴/۸. در صورت فسخ از جانب سرمایه‌گذار: اگر سرمایه‌گذار، اقدام به فسخ مضاربه کند؛ اعم از اینکه با عذر عقلایی باشد یا بدون عذر عقلایی باشد، هزینه بازگشت از سرمایه تجارت خواهد بود.

۳/۴/۸. در فرض انفساخ: در انفساخ اعم از اینکه به واسطه کارگزار باشد یا سرمایه‌گذار، هزینه بازگشت از سفر از سرمایه تجارت تأمین می‌شود.

بازنگری در قوانین  
ناظر به هزینه‌های  
کارگزار مضاربه در  
سفر  
۲۱۵

### ۹. پیشنهاد اصلاح قانون

با توجه به فقدان مواد قانونی، نیاز است که در این زمینه موادی از قانون مدنی اصلاح شود:

۱-۹. برای مسئله هزینه‌های کارگزار، ماده قانونی تصویب شود و بیان کند که هزینه کارگزار یا بر اساس شرط است یا چنانچه شرطی نباشد از سرمایه تجارت کسر می‌شود.

### ۱-۲. تبصره‌های پیشنهادی

الف) میزان تعیین شده بر اساس عرف است و نظر مورد قبول قاضی باید طبق دیدگاه کارشناس بر مبنای عرف تعیین شود. همچنان که دکتر جعفری لنگرودی نیز معتقد است سفر عامل در صورت سکوت متعاقدین، تابع عرف و عادت محل انعقاد

عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ۷۹).

ب) در صورت فسخ مضاربه از سوی کارگزار، در صورتی که با عذر عقلایی همراه باشد نیز حق برداشت هزینه‌ها را از سرمایه دارد.

ج) در صورت فسخ از ناحیه سرمایه‌گذار، اعم از اینکه با عذر عقلایی همراه باشد یا بدون عذر عقلایی باشد، هزینه‌های سفر از سرمایه تجارت برداشت خواهد شد.

د) در صورت انفساخ، اعم از این که به واسطه سرمایه‌گذار یا کارگزار باشد نیز هزینه‌ها از سرمایه برداشت می‌شود.

ه) در صورت متعدد شدن سرمایه‌گذاران، ملاک استحقاق برداشت از سرمایه تجارت، میزان عمل کارگزار نسبت به هر یک از سرمایه‌گذاران است.

## منابع

### • قرآن کریم

۱. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ خورشیدی.
۲. آبی، حسن بن ابیطالب. (۱۴۰۸ق). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. محقق: علی پناه اشتهاردی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم مؤسسة النشر الإسلامی.
۳. ابن ادریس حلی، فخرالدین. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. ج دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۴. ابن حمزة طوسی، عمادالدین. (۱۴۰۸ق). الوسيلة. تحقیق حسون، محمد، زیر نظر مرعشی، محمود، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۵. اشتهاردی، علی پناه. (۱۴۱۶ق). مجموعه فتاوی ابن الجنید. بی‌جا: مؤسسه النشر الإسلامی.
۶. امامی، سیدحسن. (۱۳۹۳). حقوق مدنی، چ بیست و پنجم، تهران: انتشارات اسلامیة.
۷. بجنوردی، سیدحسن. (۱۳۹۵ق). القواعد الفقهية. هفت مجلد، قم: نشر الهادی عالیله.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۳۶۳). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. محقق: محمدتقی ایروانی، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۹. توکلی، محمد مهدی. (۱۳۹۸). مختصر حقوق مدنی، چ هفدهم، تهران: مکتوب آخر.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۴). مضاربه. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۱. جلالی‌زاده، جلال. (۱۳۸۷). مبادئ و اصطلاحات علم فقه. تهران: نشر احسان.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵  
تابستان ۱۴۰۳

۲۱۶



۲۱. خمینی، سیدروح الله. (۱۳۹۲). **تحریر الوسیله**. تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۱. خمینی، سیدروح الله. (۱۳۹۲). **العروة الوثقی (امام)**. نویسنده طباطبایی (سیدیزدی)، سیدمحمدکاظم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). **موسوعه الامام الخوئی**. قم: مؤسسه الخوئی الاسلامیه.
۱۵. زهدری حلی، نجم الدین جعفر. (۱۴۲۸ق). **ایضاح ترددات الشرایع**. چ دوم، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۶. سبحانی، جعفر. (۱۳۹۶). **درس خارج فقه، ۱۴ فروردین ماه، قم، لینک:**  
<https://eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/95/960114>
۱۷. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). **مهذب الاحکام فی بیان حلال و حرام**. قم: دارالتفسیر.
۱۸. سکوتی نسیمی، رضا. (۱۳۹۰). **حقوق مدنی (عقود معین - مضاربه)**، تهران: میزان.
۱۹. شبیری زنجانی، سید موسی. (۱۳۹۵). **درس خارج فقه، ۸ اردیبهشت ماه، قم، لینک:**  
<https://eshia.ir/Feqh/Archive/Shobeiry/Feqh/94>
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
۲۱. طاهری، حبیب الله. (بی تا). **حقوق مدنی**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۲. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۱۹ق). **العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)**. به تحقیق و تصحیح محسنی سبزواری، احمد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۳). **تنقیح مبانی العروة (الإجارة)**. شارح: تبریزی، جواد، قم: دار الصدیقة الشهیده علیها السلام.
۲۴. طوسی، ابوجعفر. (۱۴۲۷ق). **رجال الطوسی**. محقق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۵. طوسی، ابوجعفر. (۱۳۸۷ق). **المبسوط فی فقه الإمامیه**. به تحقیق بهودی، محمدباقر، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۶. طوسی، ابوجعفر. (۱۴۰۷ق). **الخلاص**. بی جا: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۵ق). **مختلف الشیعه**. تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.
۲۸. فاضل موحدی لکنرانی، محمد. (۱۴۲۵ق). **تفصیل الشریعة**. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام.

بازنگری در قوانین  
 ناظر به هزینه های  
 کارگزار مضاربه در  
 سفر  
 ۲۱۷

۲۹. قاضی ابن براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق)، **المهذب**. بی جا: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳)، **الکافی**. به تحقیق غفاری، علی اکبر، به تصحیح آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۴۰۹ق). **مجمع المسائل**. قم: دار القرآن الکریم.
۳۲. محقق ثانی، علی بن الحسین. (۱۴۱۰ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**. به تحقیق مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام**. قم: اسماعیلیان.
۳۴. مدنی، جلال الدین. (۱۳۸۴). **حقوق مدنی**، تهران: انتشارات پایدار.
۳۵. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). **المقنعة**. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۴). **درس خارج فقه**، ۶ بهمن ماه، قم، لینک: <https://eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/94/941106>
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ق). **أنوار الأصول**. به تنظیم قدسی، احمد، چاپ دوم، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام
۳۸. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). **رجال النجاشی**. محقق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۹. نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**. تحقیق: عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۲ق). **کتاب المضاربه**. قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۵  
تابستان ۱۴۰۳

۲۱۸

## سایت‌ها:

۱. مدرسه فقاقت به آدرس: <https://eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/95/960114>
۲. لینک <https://eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/94/1106>
۳. لینک: <https://eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/95/960114>

## References

- *The Holy Qur'an*
1. Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad Ibn Aḥmad. 1996/1410. *al-Sar'ir al-Hāwī li Tahrīr al-Fatāwī*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

2. Ibn Ḥamzat Ṭūsī, ‘Imād al-Dīn. 1987/1408. *Al-Wasīlat*. Edited by Muḥammad Ḥassūn, Under the Supervision of Maḥmūd Mar‘ashī. Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-‘Uzmā al-Mar‘ashī al-Najafī.
3. Ābī, Ḥassan ibn Abī Ṭālib. 1987/1408. *Kashfal-Rumūz fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi*. Edited by ‘Alī Panāh Ishtihārdī. Qom: Mu’assasatal-Nashral-Islāmī li Jamā‘atal-Mudarrisīn.
4. al-Ishtihārdī, ‘Alī Panāh. 1995/1416. *Majmū‘at Fatāwī ibn al-Junayd*. Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī.
5. Imāmī, Sayyid Ḥusayn. 2014/1393. *Ḥuqūq-i Madanī*. 25<sup>th</sup>. Tehran: Intishārāt Islāmīyah.
6. Āl ‘Uṣfūr al-Bahrānī, Yūsuf ibn Aḥmad ibn Ibrāhīm. 1984/1363. *Al-Ḥadā’iq al-Nādirat fī Aḥkām al-‘Itrat al-Ṭāhirah*. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
7. Tawakulī, Muḥammad Mahdī. 2019/1398. *Mukhtaṣar Ḥuqūq-i Madanī*. 17<sup>th</sup>. Tehran: Maktūbāt Ākhar.
8. Ja‘farī Langarūdī, Muḥammad Ja‘far. 2005/1384. *Muḍāribih*. Tehran: Ganj Dānish.
9. Jalālī Zādih, Jalāl. 2008/1387. *Mabādī wa Iṣṭilāḥāt-i ‘Ilm-i Fiqh*. Tehran: Nashr-i Iḥsān.
10. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2013/1392. *Tahrīr al-Wasīlah*. Tehran: Mu’assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
11. al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Mawsū‘at al-Imām al-Khu‘ī*. Qom: Mu’assasat Iḥyā’ Āthār al-Imām al-Khu‘ī.
12. Al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja‘far ibn Zahdarī. 2007/1428. *‘Īdāḥ Taraddudāt al-Sharā‘i*. 2<sup>nd</sup>. Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-‘Uzmā al-Mar‘ashī al-Najafī.
13. Subḥānī, Ja‘far. 2017/1396. *Dars al-Khārij al-Fiqh*. Extracted from the following link: <https://eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/95/960114/>
14. al-Sabzawārī, al-Sayyid ‘Abd al-A‘lā. 1992/1413. *Muhadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Dār al-Tafṣīr.
15. Sukūfī Nasīmī, Riḍā. 2011/1390. *Ḥuqūq-i Madanī (‘Uqūd Mu‘ayan-Muḍāribih)*. Tehran: Nashr Mizā.
16. Shubayrī Zanjanī, Sayyid Mūsā. 2016/1395. *Dars al-Khārij al-Fiqh*. Extracted from the following link: <https://eshia.ir/Feqh/Archive/Shobeiry/Feqh/94>
17. al-‘Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn ‘Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā‘i al-Islām*. Qom: Mū’assasat al-Ma‘ārif al-Islāmīyya.
18. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1362. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā‘i al-Islām*. 7<sup>th</sup>. Edited by ‘Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
19. Ṭāhirī, Ḥabībullah. n.d. *Ḥuqūq-i Madanī*. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
20. al-Ṭabātabā‘ī al-Yazdī, al-Sayyid Muḥammad Kāzim. 1998/1419. *al-‘Urwat al-Wuth-*

*qā fīmā Ta 'ummu bihī al-Balwā*. Edited by Aḥmad Muḥsinī Sabzawārī. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

21. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 2006/1427. *Rijāl al-Ṭūsī*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
22. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1967/1387. *al-Mabsūt fī Fiqh al-Imāmīyya*. 3<sup>rd</sup>. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīya li 'Iḥya' al-Āthār al-Ja'farīyah.
23. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1986/1407. *Al-Khilāf*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
24. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1994/1415. *Mukhtalaḥ al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
25. al-Fāḍil al-Lankarānī, Muḥammad. 2004/1425. *Tafṣīl al-Sharī'a Fī Sharḥ Tahṛīr al-Wasṭah, Kitāb al-Ṣalāt*. Qom: Markaz Fiqh al-A'immat al-Aṭhār.
26. Ibn Barrāj al-Ṭirāblusī, 'Abdulazīz. 1985/1406. *Al-Muhadhab*. n.p. Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
27. Civil Code of Iran, Approved on May 8, 1928.
28. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1984/1363. *Uṣūl al-Kāfī*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
29. al-Mūsawī al-Gulpāygānī, al-Sayyid Muḥammad Riḍā. 1988/1409. *Majma' al-Masā'il*. Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
30. al-'Āmilī al-Karakī, 'Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Karakī, al-Muḥaqqiq al-Thānī). 1989/1410. *Jāmi' al-Maqāṣid fī Sharḥ al-Qawā'id*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turath.
31. al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1987/1408. *Sharā'ī al-Islām fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Mu'assasat Ismā'īliyyān.
32. Madanī, Jalāl al-Dīn. 2005/1384. *Huqūq-i Madanī*. Tehran: Intishārāt Pāydār.
33. Ibn Nu'mān, Muḥammad Ibn Muḥammad (al-Shaykh al-Mufīd). 1992/1413. *al-Muqni'a*. Qom: al-Mu'tamar al-'Ālamī li Alfīyyat al-Shaykh al-Mufīd.
34. Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 2007/1428. *Anwār al-Uṣūl. Dā'irat al-Ma'ārif Fiqh Muqāran*. Qom: Madrasī-yi Imām 'Alī Ibn Abī Ṭālib
35. Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 2015/1394. Dars al-Khārij al-Fiqh. Extracted from the following link: <https://eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/94/1106>
36. al-Najjāshī, Aḥmad Ibn 'Alī. 1986/1365. *Rijāl al-Najjāshī*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
37. al-Hāshimī al-Shāhrūdī, al-Sayyid Maḥmūd. 2011/1432. *Kitāb al-Muḍāribah*. Qom: Bunyād Fiqh wa Ma'ārif Ahl al-Bayt.